

حوادث

تلنگر

سرقت از جواهرساز به بهانه تبلیغ در اینستاگرام

یکی از دو دختری که بلاگرهای اینستاگرامی بودند و با تعارف آیموه مسموم جواهرساز را بیهوش کرده و ۸۰۰ میلیون طلا از او سرقت کرده بودند، بازداشت شد. سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت در این باره به جام‌چم گفت: سه ماه پیش مردی با حضور در کلانتری شهرک ولیعصر تهران از دو زن به اتهام سرقت شکایت کرد. در جریان تحقیقات معلوم شد که شاکی وقتی دو دختر جوان را سوار خودرویش کرده که آنها مدعی شده‌اند به کار تبلیغات در پیج اینستاگرام مشغول هستند. دو دختر جوان گفته بودند می‌توانند کارهای طلافروش را هم در آنجا، برای مذهب مشتری منتشر کنند. در جریان ترند او را با آیموه مسموم بیهوش کرده و کلید کارگاه طلاسازی وی در شهرک ولیعصر را برداشته و ۸۰۰ میلیون تومان طلا و جواهر از آنجا سرقت کرده‌اند. وی افزود: تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که معلوم شد، دو زن سارق از بلاگرهای اینستاگرام بوده و با شناسایی طعمه‌های خود به سبوه بیهوشی از آنها سرقت می‌کنند. در جریان تحقیقات بعدی یکی از دختران سارق بازداشت شد. او در بازجویی پلیسی به سرقت و بیهوش کردن شاکی با همدستی دوستش اعتراف کرد. در بازرسى از مخفیگاه وی بخشی از طلاهای سرقتی که ۶۰۰ میلیون تومان ارزش داشت، کشف شد. پلیس در جست‌وجوی دیگر سارق فراری است.

آدم ربایی با انگیزه اختلاف

۲ مرد که به انگیزه اختلاف شخصی، فردی را به قتل رسانده بودند، بازداشت شدند. بیستم شهریور امسال، جسد مردی حدوداً ۳۷ساله در خودروی پارک‌شده در خیابان کشف شد. پلیس شهرستان خمین در جریان تحقیقات هویت مقتول را تأیید کرد و سرانجام رد دو نفر در این رابطه به‌دست‌آمد. با گذشت سه ماه یکی از متهمان در استان همجوار و دیگری در تهران بازداشت و اعتراف کردند که به انگیزه اختلاف شخصی مقتول را کشته‌اند.

بازداشت قاتل سریالی دیوانه ولگا



مرد میانسالی معروف به «دیوانه ولگا» به اتهام قتل بیش از ۲۶ زن میانسال در روسیه بازداشت شد. او قربانیان خود را در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ میلادی و در مناطقی از رود ولگا در روسیه به قتل رسانده بود. بنابر اعلام پلیس روسیه این مرد ۳۸ ساله که قفل ساز است و سال ۲۰۰۹ میلادی به اتهام سرقت بازداشت و زندانی شد، اما بعد از آزادی دوباره سرقت‌هایش را از سر گرفت. او پس از برداشتن پول و اشیای قیمتی قربانیان زن، آنها را خفه می‌کرد.

سودوکو ۳۷۲۰

		۹	۲	۷	۸				
						۲			
		۱		۴					
۷		۴	۱						
۲					۱				
						۳			
								۹	
۴			۱						
۸		۵		۳	۹		۱		
				۶		۴			
		۶	۸						

					۶		۸		
						۶			
							۵		
								۴	
		۲							
			۱	۹		۶			
					۸				
		۳				۱			
۹		۶	۱		۴				
				۸				۶	
						۹			
۶		۲						۵	
			۷				۱		۸
								۷	
							۳	۲	



چون کلاهبرداری، جعل، اخذ تسهیلات غیرمجاز بانکی و... به چشم می‌خورد. برای متهمان قرار قانونی صادر شده و تحقیقات پلیسی از آنها برای مشخص شدن دیگر جرایمشان در حالی ادامه دارد که قرار شد پول‌هایی که آنها از بانک دریافت کرده و بازگردانده‌اند از متهمان بازپس‌گرفته و تحویل بانک شود.

بعد از آزادی؟

جنایت‌های شیشه‌ای در خانواده

❗ در این پرونده شاهد آن هستیم که مردی میانسال که سال‌ها مواد افیونی و شیشه مصرف می‌کرده، با مادر سالخورده‌اش درگیر شده و او را به قتل رسانده‌است. همچنین اعتیاد باعث شده همسرش از وی جد شود و دخترش هم امنیت جانی در کنار این پدر معتاد نداشته باشد. براساس ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد هنگام ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به‌جز در مورد اگاره بر قتل که حکم آن در کتاب سوم قصاص آمده‌است. علمای حقوقی اجبار را به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند که هریک از این دو نوع نیز به‌نوبه خود، ناشی از علل بیرونی یا ناشی از شخص مرتکب و علل درونی است. گاه مجرمی که بعد از مصرف مشروب یا استعمال شیشه مرتکب قتل می‌شود با ادعای جنون یا این‌که اختیار عملی که مرتکب شده در اختیارش نبوده‌است؛ سعی می‌کند که خود را از مجازات قصاص نجات دهد، اما با بازپرس‌های جنایی با پرسیدن سؤال‌های متوالی درباره نحوه قتل، وسیله ارتکاب جرم و زمان قتل سعی در کشف حقیقت دارند که جمع‌آوری این‌گونه اطلاعات باعث می‌شوند که دیگر متهم نتواند دروغ‌پردازی کرده و حقیقت را بازگو کند؛ چرا که متهم اقدامی که انجام داده، نوعاً کشنده بوده‌است. همچنین برای بررسی سلامت روانی متهمان از آنها تست‌های سلامت و شخصیت گرفته می‌شود. با بررسی سلامت روانی متهم و تأیید آن، متهم راهی برای فرار ندارد و در برابر مجازات قرار خواهد گرفت.

بعد از آزادی؟

با دخترم زندگی می‌کردم که این اواخر عقد کرده بود و می‌خواست به خانه بخت برود، همان موقع یکبار از دخترم خواستم برایم شیشه بخرد که قبول نکرد و نخرید. به او حمله کرده و خواستم او را بکشم که از دستم فرار کرد و جانش را نجات داد.

❗ از شب قتل مادر ت بگو.

چهار ماه و ۱۸روز در کمپ بودم و تازه شش روز بود که بیرون آمده و در خانه با دخترم بودم. آن شب به خانه مادرم رفتم که از من خواست حالا که دخترم عقد کرده برای همیشه مواد را فراموش کنم. مادرم می‌خواست دوباره مرا به کمپ منتقل کند تا برای همیشه ترک کنم اما من نمی‌خواستم دوباره به کمپ بازگردم. حشیش، شیشه و ۲۰عدد قرص مصرف کرده و حال درستی نداشتم. از مادرم کینه به دل گرفته بودم. آن شب می‌خواست به حمام برود. توهم شیشه باعث شده بود احساس کنم مادرم قصد کشتنم را دارد و او را شیطان می‌دیدم.

❗ بعد چه شد؟

خواستم از خانه فرار کنم که نشد و تصمیم به قتل مادرم گرفتم. سمتش رفتم و باضربه‌های مشت به بدنش زدم، موهایش را کشیدم و با چاقو چندضربه به او زدم و جانش را گرفتم. وسایل تزئینی روی دیوار و میزهای خانه را شکستم و ساعتی بالای سر او نشسته و گریه کردم.

❗ چرا جسد را در یخچال گذاشتی؟

خواستم جسد را از خانه منتقل و دفن کنم که نشد. وسایل یخچال را بیرون ریخته و جسد را در آنجا گذاشتم تا سالم بماند. با برداشتن چاقوی خونین از خانه بیرون رفتم و سرگردان خیابان‌ها شدم. وقتی به خودم آمدم داخل پارکی بودم، همانجا روی صندلی نشستم و ساعتی بعد ماموران سر رسیده و دستگیر کردند.

❗ خانواده‌ات را در زندان ملاقات کرده‌ای؟

نه، خانواده‌ام به ملاقاتم نیامده‌اند. حق دارند من مادرم را کشته‌ام. خواهرانم برایم قصاص خواسته‌اند.

❗ شرایط زندگی در زندان؟

زندگی در زندان با بیرون خیلی فرق دارد. بیرون آزادی و هر کار بخواهی انجام می‌دهی، اما داخل زندان محدود می‌شوی به سالن، سلول، هواخوری و زندانیانی که مثل خودت متهم به قتل هستند.

❗ دلت برای چه کسی تنگ شده؟

برای مادرم و دخترم. دوست دارم برای یک‌بار هم که شده سر مزار مادرم بروم و جلالت بگیرم و به دخترم هم بگویم مرا ببخش که زندگیت را به خاطر اعتیادم از بین بردم و پدر خوبی برایت نبودم.

❗ خواب مادرت را دیده‌ای؟

بله، چندبار در زندان خواب مادرم را دیدم اما هربار چهره‌اش را از من می‌دزدید. به پایش افتادم تا مرا ببخشد که گریه‌کنان از من دور شد. ❗

گرفت و باهماهنگی قضایی تحقیقات ادامه پیدا کرد. نبرد اخن تسهیلات دریافتی از سوی این دو نفر، موجب ایجاد اخلال شده بود که سرانجام اقدامات ماموران پلیس نتیجه داد و این دو نفر شناسایی و در عملیاتی دستگیر شدند. وی افزود: این دو نفر در مجموع بیش از ۲۰هزار میلیارد ریال بدهی داشتند و در پرونده آنها مواردی

بعد از آزادی؟

با دخترم زندگی می‌کردم که این اواخر عقد کرده بود و می‌خواست به خانه بخت برود، همان موقع یکبار از دخترم خواستم برایم شیشه بخرد که قبول نکرد و نخرید. به او حمله کرده و خواستم او را بکشم که از دستم فرار کرد و جانش را نجات داد.

❗ از شب قتل مادر ت بگو.

چهار ماه و ۱۸روز در کمپ بودم و تازه شش روز بود که بیرون آمده و در خانه با دخترم بودم. آن شب به خانه مادرم رفتم که از من خواست حالا که دخترم عقد کرده برای همیشه مواد را فراموش کنم. مادرم می‌خواست دوباره مرا به کمپ منتقل کند تا برای همیشه ترک کنم اما من نمی‌خواستم دوباره به کمپ بازگردم. حشیش، شیشه و ۲۰عدد قرص مصرف کرده و حال درستی نداشتم. از مادرم کینه به دل گرفته بودم. آن شب می‌خواست به حمام برود. توهم شیشه باعث شده بود احساس کنم مادرم قصد کشتنم را دارد و او را شیطان می‌دیدم.

❗ بعد چه شد؟

خواستم از خانه فرار کنم که نشد و تصمیم به قتل مادرم گرفتم. سمتش رفتم و باضربه‌های مشت به بدنش زدم، موهایش را کشیدم و با چاقو چندضربه به او زدم و جانش را گرفتم. وسایل تزئینی روی دیوار و میزهای خانه را شکستم و ساعتی بالای سر او نشسته و گریه کردم.

❗ چرا جسد را در یخچال گذاشتی؟

خواستم جسد را از خانه منتقل و دفن کنم که نشد. وسایل یخچال را بیرون ریخته و جسد را در آنجا گذاشتم تا سالم بماند. با برداشتن چاقوی خونین از خانه بیرون رفتم و سرگردان خیابان‌ها شدم. وقتی به خودم آمدم داخل پارکی بودم، همانجا روی صندلی نشستم و ساعتی بعد ماموران سر رسیده و دستگیر کردند.

❗ خانواده‌ات را در زندان ملاقات کرده‌ای؟

نه، خانواده‌ام به ملاقاتم نیامده‌اند. حق دارند من مادرم را کشته‌ام. خواهرانم برایم قصاص خواسته‌اند.

❗ شرایط زندگی در زندان؟

زندگی در زندان با بیرون خیلی فرق دارد. بیرون آزادی و هر کار بخواهی انجام می‌دهی، اما داخل زندان محدود می‌شوی به سالن، سلول، هواخوری و زندانیانی که مثل خودت متهم به قتل هستند.

❗ دلت برای چه کسی تنگ شده؟

برای مادرم و دخترم. دوست دارم برای یک‌بار هم که شده سر مزار مادرم بروم و جلالت بگیرم و به دخترم هم بگویم مرا ببخش که زندگیت را به خاطر اعتیادم از بین بردم و پدر خوبی برایت نبودم.

❗ خواب مادرت را دیده‌ای؟

بله، چندبار در زندان خواب مادرم را دیدم اما هربار چهره‌اش را از من می‌دزدید. به پایش افتادم تا مرا ببخشد که گریه‌کنان از من دور شد. ❗

❗ بعد چه شد؟

خواستم از خانه فرار کنم که نشد و تصمیم به قتل مادرم گرفتم. سمتش رفتم و باضربه‌های مشت به بدنش زدم، موهایش را کشیدم و با چاقو چندضربه به او زدم و جانش را گرفتم. وسایل تزئینی روی دیوار و میزهای خانه را شکستم و ساعتی بالای سر او نشسته و گریه کردم.

❗ چرا جسد را در یخچال گذاشتی؟

خواستم جسد را از خانه منتقل و دفن کنم که نشد. وسایل یخچال را بیرون ریخته و جسد را در آنجا گذاشتم تا سالم بماند. با برداشتن چاقوی خونین از خانه بیرون رفتم و سرگردان خیابان‌ها شدم. وقتی به خودم آمدم داخل پارکی بودم، همانجا روی صندلی نشستم و ساعتی بعد ماموران سر رسیده و دستگیر کردند.

❗ خانواده‌ات را در زندان ملاقات کرده‌ای؟

نه، خانواده‌ام به ملاقاتم نیامده‌اند. حق دارند من مادرم را کشته‌ام. خواهرانم برایم قصاص خواسته‌اند.

زندگی در زندان با بیرون خیلی فرق دارد. بیرون آزادی و هر کار بخواهی انجام می‌دهی، اما داخل زندان محدود می‌شوی به سالن، سلول، هواخوری و زندانیانی که مثل خودت متهم به قتل هستند.

❗ دلت برای چه کسی تنگ شده؟

برای مادرم و دخترم. دوست دارم برای یک‌بار هم که شده سر مزار مادرم بروم و جلالت بگیرم و به دخترم هم بگویم مرا ببخش که زندگیت را به خاطر اعتیادم از بین بردم و پدر خوبی برایت نبودم.

❗ خواب مادرت را دیده‌ای؟

بله، چندبار در زندان خواب مادرم را دیدم اما هربار چهره‌اش را از من می‌دزدید. به پایش افتادم تا مرا ببخشد که گریه‌کنان از من دور شد. ❗

❗ بعد چه شد؟

خواستم از خانه فرار کنم که نشد و تصمیم به قتل مادرم گرفتم. سمتش رفتم و باضربه‌های مشت به بدنش زدم، موهایش را کشیدم و با چاقو چندضربه به او زدم و جانش را گرفتم. وسایل تزئینی روی دیوار و میزهای خانه را شکستم و ساعتی بالای سر او نشسته و گریه کردم.

❗ چرا جسد را در یخچال گذاشتی؟

بازداشت ۲بدهکار بزرگ بانکی

رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از دستگیری دو بدهکار بزرگ نظام بانکی کشور در پایتخت خبر داد. به گزارش جام‌چم، سرهنگ علی ولیپورگودرزی در این باره گفت: چندی پیش شناسایی و دستگیری دو بدهکار بزرگ نظام بانکی که اقدام به دریافت تسهیلات کرده اما آن را پرداخت نکرده بودند در دستور کار پلیس قرار

بعد از آزادی؟

با دخترم زندگی می‌کردم که این اواخر عقد کرده بود و می‌خواست به خانه بخت برود، همان موقع یکبار از دخترم خواستم برایم شیشه بخرد که قبول نکرد و نخرید. به او حمله کرده و خواستم او را بکشم که از دستم فرار کرد و جانش را نجات داد.

❗ از شب قتل مادر ت بگو.

چهار ماه و ۱۸روز در کمپ بودم و تازه شش روز بود که بیرون آمده و در خانه با دخترم بودم. آن شب به خانه مادرم رفتم که از من خواست حالا که دخترم عقد کرده برای همیشه مواد را فراموش کنم. مادرم می‌خواست دوباره مرا به کمپ منتقل کند تا برای همیشه ترک کنم اما من نمی‌خواستم دوباره به کمپ بازگردم. حشیش، شیشه و ۲۰عدد قرص مصرف کرده و حال درستی نداشتم. از مادرم کینه به دل گرفته بودم. آن شب می‌خواست به حمام برود. توهم شیشه باعث شده بود احساس کنم مادرم قصد کشتنم را دارد و او را شیطان می‌دیدم.

❗ بعد چه شد؟

خواستم از خانه فرار کنم که نشد و تصمیم به قتل مادرم گرفتم. سمتش رفتم و باضربه‌های مشت به بدنش زدم، موهایش را کشیدم و با چاقو چندضربه به او زدم و جانش را گرفتم. وسایل تزئینی روی دیوار و میزهای خانه را شکستم و ساعتی بالای سر او نشسته و گریه کردم.

❗ چرا جسد را در یخچال گذاشتی؟

خواستم جسد را از خانه منتقل و دفن کنم که نشد. وسایل یخچال را بیرون ریخته و جسد را در آنجا گذاشتم تا سالم بماند. با برداشتن چاقوی خونین از خانه بیرون رفتم و سرگردان خیابان‌ها شدم. وقتی به خودم آمدم داخل پارکی بودم، همانجا روی صندلی نشستم و ساعتی بعد ماموران سر رسیده و دستگیر کردند.

❗ خانواده‌ات را در زندان ملاقات کرده‌ای؟

نه، خانواده‌ام به ملاقاتم نیامده‌اند. حق دارند من مادرم را کشته‌ام. خواهرانم برایم قصاص خواسته‌اند.

❗ شرایط زندگی در زندان؟

زندگی در زندان با بیرون خیلی فرق دارد. بیرون آزادی و هر کار بخواهی انجام می‌دهی، اما داخل زندان محدود می‌شوی به سالن، سلول، هواخوری و زندانیانی که مثل خودت متهم به قتل هستند.

❗ دلت برای چه کسی تنگ شده؟

برای مادرم و دخترم. دوست دارم برای یک‌بار هم که شده سر مزار مادرم بروم و جلالت بگیرم و به دخترم هم بگویم مرا ببخش که زندگیت را به خاطر اعتیادم از بین بردم و پدر خوبی برایت نبودم.

❗ خواب مادرت را دیده‌ای؟

بله، چندبار در زندان خواب مادرم را دیدم اما هربار چهره‌اش را از من می‌دزدید. به پایش افتادم تا مرا ببخشد که گریه‌کنان از من دور شد. ❗

❗ بعد چه شد؟

خواستم از خانه فرار کنم که نشد و تصمیم به قتل مادرم گرفتم. سمتش رفتم و باضربه‌های مشت به بدنش زدم، موهایش را کشیدم و با چاقو چندضربه به او زدم و جانش را گرفتم. وسایل تزئینی روی دیوار و میزهای خانه را شکستم و ساعتی بالای سر او نشسته و گریه کردم.

❗ چرا جسد را در یخچال گذاشتی؟

خواستم جسد را از خانه منتقل و دفن کنم که نشد. وسایل یخچال را بیرون ریخته و جسد را در آنجا گذاشتم تا سالم بماند. با برداشتن چاقوی خونین از خانه بیرون رفتم و سرگردان خیابان‌ها شدم. وقتی به خودم آمدم داخل پارکی بودم، همانجا روی صندلی نشستم و ساعتی بعد ماموران سر رسیده و دستگیر کردند.

ککت می‌زد و این اواخر هم تهدید می‌کرد، بچه‌ها را با خود به عراق می‌برد و نمی‌گذاشت کنار دو بچه‌ام باشم. روز حادثه اسلحه موسی داخل کیفم بود. در خیابان با هم دوباره مشاجره کرده و من با اسلحه به طرفش شلیک کردم. در ادامه پرونده به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و اولوایی‌دم در برابر دریافت دیه حاضر به گذشت شدند

❗ خانواده‌ات را در زندان ملاقات کرده‌ای؟

نه، خانواده‌ام به ملاقاتم نیامده‌اند. حق دارند من مادرم را کشته‌ام. خواهرانم برایم قصاص خواسته‌اند.

زندگی در زندان با بیرون خیلی فرق دارد. بیرون آزادی و هر کار بخواهی انجام می‌دهی، اما داخل زندان محدود می‌شوی به سالن، سلول، هواخوری و زندانیانی که مثل خودت متهم به قتل هستند.

❗ دلت برای چه کسی تنگ شده؟

برای مادرم و دخترم. دوست دارم برای یک‌بار هم که شده سر مزار مادرم بروم و جلالت بگیرم و به دخترم هم بگویم مرا ببخش که زندگیت را به خاطر اعتیادم از بین بردم و پدر خوبی برایت نبودم.

❗ خواب مادرت را دیده‌ای؟

بله، چندبار در زندان خواب مادرم را دیدم اما هربار چهره‌اش را از من می‌دزدید. به پایش افتادم تا مرا ببخشد که گریه‌کنان از من دور شد. ❗

❗ بعد چه شد؟

خواستم از خانه فرار کنم که نشد و تصمیم به قتل مادرم گرفتم. سمتش رفتم و باضربه‌های مشت به بدنش زدم، موهایش را کشیدم و با چاقو چندضربه به او زدم و جانش را گرفتم. وسایل تزئینی روی دیوار و میزهای خانه را شکستم و ساعتی بالای سر او نشسته و گریه کردم.

❗ چرا جسد را در یخچال گذاشتی؟

قتلهم در حال بازپرسی قضایی



ککت می‌زد و این اواخر هم تهدید می‌کرد، بچه‌ها را با خود به عراق می‌برد و نمی‌گذاشت کنار دو بچه‌ام باشم. روز حادثه اسلحه موسی داخل کیفم بود. در خیابان با هم دوباره مشاجره کرده و من با اسلحه به طرفش شلیک کردم. در ادامه پرونده به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و اولوایی‌دم در برابر دریافت دیه حاضر به گذشت شدند

آزار شیطانی، فرجام دوستی اینستاگرامی

عکس‌های سیاه از او گرفته و می‌خواهد آن را منتشر کند، شاکی را تهدید کرده‌است. سرانجام متهم فراری دو روز پیش در ساختمان نیمه‌کاره‌ای که مشغول به کار بود، بازداشت شد. بهرام در تحقیقات منکر بود تا این‌که در مواجهه حضوری با شاکی اعتراف کرد و گفت: از یک‌سال پیش برای کار ساختمانی از شهرستان به تهران آمدم و چون کارگر ساده بودم دخترها با من دوست نمی‌شدن. دوستم پیشنهاد داد که در اینستاگرام فعالیت کنم و لباس‌های کاپراهی بپوشم و کار خودروهای اجاره‌ای شیک عکس بگیرم و منتشر کنم تا دختران را فریب دهم. این روش

کارگر ساختمانی که به اتهام سرقت طلاهای زن جوان و آزارادیت شیطانی او تحت‌تعقیب پلیس تهران بود، بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جنایی

جام‌چم، روزهای پایانی آبان امسال زنی که در پی دوستی اینستاگرامی مورد آزار وادیت شیطانی مردی شیک پوش قرار گفته بود، نزد علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران شکایت کرد. پرونده وی به پلیس آگاهی تهران ارسال و با تحقیق از شاکی معلوم شد که متهم ۵۰میلیون تومان طلاهایش را درزید و او را در دام شیطانی اش گرفتار کرده و با تهدید به این‌که فیلم و

شیهه آنلاین و آلاین با مرکز ارتباط با مشتریان برقرار کنند.

رئیس اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی، ضبط صوتی تمام مکالمات مشتریان با کارشناسان مرکز ارتباط و ثبت آنها در پرونده مربوط به هر مشتری را برای پیگیری‌های بعدی از امتیازات این سامانه دانست و گفت: در سامانه جدید به منظور افزایش میزان کنترل و نظارت، قابلیت ارسال گزارش از طریق پیامک به سطوح مختلف مدیریتی در نظر گرفته شده‌است و بر اساس میزان حساسیت و اهمیت موضوع، پیامک هشدار نظارتی به مدیران سطوح عالی سازمان نیز ارسال می‌شود. وی به نقش تأثیرگذار مرکز ارتباط با مشتریان در کاهش میزان مراجعات حضوری به شعب در دوران کرونا اشاره کرد و گفت: بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، با پاسخگویی به موقع و تخصصی کارشناسان مرکز ارتباط در دوره شیوع ویروس کرونا در کشور و ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی، شاهد مراجعات حضوری کمتر مشتریان به شعب بانک دی بودیم که نقش مهمی را در صیانت از سلامت مشتریان و همکاران شعب ایفا کرده است. رئیس اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی در پایان سخنانش افزود: در حال حاضر می‌توان با اطمینان گفت مرکز ارتباط با دی با ایجاد یک سیستم متمرکز و یکپارچه مدیریت ارتباط با مشتریان (CRM) قادر است به عنوان سریع‌ترین و مؤثرترین ابزار ارتباطی، نقش به‌سزایی در شناسایی موارد مورد انتظار و نیازهای مشتریان و جلب رضایت حداکثری آنها ایفا کند که تأثیر مستقیمی بر رضایتمندی مشتریان و نگهداشت آنها خواهد داشت.

شیهه آنلاین و آلاین با مرکز ارتباط با مشتریان برقرار کنند.

رئیس اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی، ضبط صوتی تمام مکالمات مشتریان با کارشناسان مرکز ارتباط و ثبت آنها در پرونده مربوط به هر مشتری را برای پیگیری‌های بعدی از امتیازات این سامانه دانست و گفت: در سامانه جدید به منظور افزایش میزان کنترل و نظارت، قابلیت ارسال گزارش از طریق پیامک به سطوح مختلف مدیریتی در نظر گرفته شده‌است و بر اساس میزان حساسیت و اهمیت موضوع، پیامک هشدار نظارتی به مدیران سطوح عالی سازمان نیز ارسال می‌شود. وی به نقش تأثیرگذار مرکز ارتباط با مشتریان در کاهش میزان مراجعات حضوری به شعب در دوران کرونا اشاره کرد و گفت: بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، با پاسخگویی به موقع و تخصصی کارشناسان مرکز ارتباط در دوره شیوع ویروس کرونا در کشور و ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی، شاهد مراجعات حضوری کمتر مشتریان به شعب بانک دی بودیم که نقش مهمی را در صیانت از سلامت مشتریان و همکاران شعب ایفا کرده است. رئیس اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی در پایان سخنانش افزود: در حال حاضر می‌توان با اطمینان گفت مرکز ارتباط با دی با ایجاد یک سیستم متمرکز و یکپارچه مدیریت ارتباط با مشتریان (CRM) قادر است به عنوان سریع‌ترین و مؤثرترین ابزار ارتباطی، نقش به‌سزایی در شناسایی موارد مورد انتظار و نیازهای مشتریان و جلب رضایت حداکثری آنها ایفا کند که تأثیر مستقیمی بر رضایتمندی مشتریان و نگهداشت آنها خواهد داشت.

معصومه ملکی

حوادث

گفت‌وگو کردیم و رحیم دشتیان، بازپرس دادسرای جنایی تهران در یادداشتی ریشه‌های این جنایت را بررسی کرده است.

تحقیق، گفت‌وگویی با او داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

❗ چه‌کاره‌ای؟

درکارگاه چرم‌سازی کار می‌کردم اما بعد از قتل مادرم زندانی شدم.

❗ متاهلی؟

متاهل بودم و یک دختر داشتم اما به‌خاطر اعتیادم همسرم طلاق گرفت و رفت. ۲۵سال است انواع مواد را مصرف می‌کنم و در چند سال اخیر شیشه‌ای شده‌ام. اعتیاد زندگی‌ام را نابود کرد.

❗ با والدین اختلاف داشتی؟

فقط سر اعتیادم مشکل داشتم. حتی مادرم به‌خاطر عشق و علاقه‌اش به من، بارها مرا در کمپ بستری کرد به امید اینکه ترک کنم که نشد و آخرین بار وقتی از کمپ بیرون آمدم، دوباره مواد مصرف کردم. خودم را نمی‌بخشم چون باعث مرگ او شدم.

❗ زندانی شدی؟

بله. مدتی در زندان بودم که خانواده‌ام مرا بخشیدند و آزاد شدم.

فرصت ۲هفته‌ای برای پرداخت دیه میلیاردری شوهر عراقی

قتلهم در حال بازپرسی قضایی